گزارش

تعطیلی دولت فدرال و رویارویی ترامپ و دموکرات‌ها

شرق: از نخستین دقایق بامداد چهارشنبه، چراغ بسیاری از ادارات و نهادهای فدرال در ایالات متحده خاموش شد. کنگره بار دیگر در رسیدن به توافق برای تصویب بسته موقت تأمین مالی ناکام ماند و همین شکست، آمریکا را وارد تعطیلی رسمی دولت کرد؛ رخدادی که میلیون‌ها شهروند و هزاران کسب‌وکار را درگیر کرده و بحران تازه‌ای در قلب اقتصاد و سیاست واشنگتن رقم زده است. در چنین شرایطی، تنها فعالیت‌های حیاتی ادامه می‌یابند و باقی امور متوقف می‌شوند. کارمندان زیادی به مرخصی اجباری می‌روند، حقوق‌ها قطع می‌شود و خدمات عمومی یا به حالت تعلیق درمی‌آیند یا با اختلال شدید روبه‌رو می‌شوند. بسته به اینکه تعطیلی چند روز یا چند هفته ادامه یابد، دامنه خسارت متفاوت خواهد بود. این بار، ابهام دیگری هم وجود دارد: کاخ سفید برنامه‌هایی برای کاهش نیرو و اخراج کارمندان مطرح کرده که می‌تواند اثر تعطیلی را دوچندان کند.

پیامدهای مستقیم بر خدمات اجتماعی

برنامه‌های اصلی مانند سوشال سکیوریتی، مدیکر و مدیکید همچنان به پرداخت‌ها ادامه خواهند داد. اما بخش‌هایی نظیر تأیید مزایا و صدور کارت‌های جدید ممکن است متوقف یا کند شوند. این یعنی سالمندان و بیمه‌شدگان در کارهای روزمره اداری با صف‌ها و تأخیرهای طولانی‌تری روبه‌رو خواهند شد.

بر اساس برآورد دفتر بودجه کنگره، حدود ۷۵۰ هزار کارمند فدرال در طول تعطیلی به مرخصی اجباری فرستاده می‌شوند. آنان در دوره تعطیلی، حقوق دریافت نمی‌کنند، هرچند طبق قانونی که در سال ۲۰۱۹ تصویب شد، پس از پایان تعطیلی پرداخت معوقات به صورت خودکار انجام خواهد شد. با این حال، پیمانکاران خصوصی که به‌طور گسترده با آژانس‌های فدرال همکاری دارند، از چنین تضمینی برخوردار نیستند و ممکن است دستمزدهایشان هرگز جبران نشود. این شکاف، معیشت ده‌ها هزار خانواده را تهدید می‌کند. در حوزه حمایت‌های غذایی، برنامه کمک‌تغذیه تکمیلی یا همان کوپن غذا (SNAP) برای مدتی ادامه خواهد داشت، اما پایداری آن در صورت طولانی‌شدن بحران روشن نیست. برنامه ویژه زنان، نوزادان و کودکان (WIC) در صورت عدم تزریق بودجه به‌سرعت دچار وقفه خواهد شد و این مسئله هزاران خانواده کم‌درآمد را در تنگنا قرار می‌دهد.

تأثیرات اقتصادی گسترده

تعطیلی دولت تنها به کارمندان یا گردشگران محدود نیست. بسیاری از شرکت‌ها که برای فعالیت روزمره به مجوزها و تأییدیه‌های فدرال وابسته‌اند، با تأخیرهای پرهزینه مواجه می‌شوند. صنعت ساخت‌وساز، انرژی و بهداشت از جمله بخش‌هایی هستند که تأییدیه‌های فدرال در آنها نقشی حیاتی دارد. تأخیر در این روندها می‌تواند صدها میلیون دلار هزینه اضافی ایجاد کند. در حوزه امنیت غذایی، اگر روند بازرسی‌های وزارت کشاورزی متوقف یا کند شود، زنجیره توزیع نیز آسیب خواهد دید. صنایع حمل‌ونقل و گردشگری هم در صورت طولانی‌شدن تعطیلی با کاهش درآمد مواجه خواهند شد. در همین حال، بازارهای مالی به‌شدت تحت تأثیر روانی این بحران قرار می‌گیرند، چراکه تعطیلی دولت نشانه‌ای آشکار از بی‌ثباتی سیاسی در واشنگتن است.

امنیت و مهاجرت

در بخش امنیت داخلی، اکثر کارکنان اداره مهاجرت و گمرک (ICE) حیاتی تلقی می‌شوند و همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. این به معنای تداوم عملیات بازداشت و اخراج مهاجران، حتی در روزهای تعطیلی دولت است. در عین حال، حضور آنها بدون حقوق می‌تواند فشار روانی و مالی بزرگی بر خانواده‌های این نیروها وارد کند. نیروهای ارتش ایالات متحده نیز مشمول این قاعده هستند. پرسنل فعال ارتش همچنان در خدمت باقی می‌مانند، حتی اگر حقوقشان تا پایان تعطیلی پرداخت نشود. خدمات بهداشتی و مزایای کهنه‌سربازان نیز به‌طور کلی ادامه دارد، اگرچه برخی کارکنان اداری ممکن است به مرخصی اجباری بروند. سازمان مدیریت بحران فدرال (FEMA) نیز فعالیت‌های اصلی خود را ادامه می‌دهد، اما تأیید وام‌ها و کمک‌های مرتبط با بلایای طبیعی به تعویق می‌افتد. خدمات هواشناسی ملی همچنان پیش‌بینی‌های روزانه را ارائه می‌دهد، اما برنامه‌های آموزشی و بازدیدهای عمومی را متوقف کرده است.

پیشینه تعطیلی‌ها و اختلافات حزبی

این نخستین بار نیست که آمریکا چنین بحرانی را تجربه می‌کند. طولانی‌ترین تعطیلی تاریخ این کشور در دسامبر ۲۰۱۸ آغاز شد و بیش از یک ماه به طول انجامید. آن تجربه، میلیاردها دلار زیان اقتصادی به بار آورد و اعتماد عمومی را به شدت تضعیف کرد. اکنون نیز علت اصلی، همان اختلافات حزبی است. جمهوری‌خواهان پیشنهاد یک بسته هفت‌هفته‌ای داده‌اند تا زمان بیشتری برای مذاکره فراهم شود، اما دموکرات‌ها بر یک بسته چهارهفته‌ای اصرار دارند که صدها میلیارد دلار بودجه حوزه سلامت را نیز شامل می‌شود. این اختلاف، عملا دولت را در وضعیتی معلق قرار داده است. رئیس‌جمهور ترامپ و تیم اقتصادی‌اش بارها بر ضرورت کاهش هزینه‌ها و کوچک‌سازی دولت تأکید کرده‌اند. طرح‌هایی برای کاهش کارکنان فدرال و اخراج‌های احتمالی نیز مطرح شده است. این سیاست‌ها با مخالفت شدید اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان دموکرات روبه‌رو شده که آن را حمله مستقیم به طبقه متوسط و خانواده‌های کم‌درآمد می‌دانند.

آرایش چندجبهه‌ای واشنگتن و استقرار سوخت‌رسان‌ها در منطقه

۳ جبهه در یک قاب

شرق: آسمان شلوغ اقیانوس اطلس در ۳۰ سپتامبر، نخستین نشانه‌ای بود که تحلیلگران و ناظران نظامی را به تکاپو انداخت. ردیاب‌های پروازهای غیرنظامی و گزارش‌های اوپن‌سورس نشان دادند دست‌کم ۱۲ فروند هواپیمای KC-135R/T به همراه یک KC-46A پگاسوس مسیر بریتانیا را طی کردند و پس از توقف‌های موقت در پایگاه‌های میلدهال و پرستویک، به سمت پایگاه العدید قطر حرکت کردند. این جابه‌جایی گسترده، یکی از بزرگ‌ترین حرکت‌های ناوگان سوخت‌رسان در ماه‌های اخیر بود؛ حرکتی که هم‌زمانی آن با نشست محرمانه بیش از ۳۰۰ ژنرال و دریادار در کوانتیکو و دیدار دونالد ترامپ با بنیامین نتانیاهو، فرضیه آماده‌سازی برای عملیاتی بزرگ را تقویت می‌کند.

این تحرکات در شرایطی رخ داد که نیروی هوایی آمریکا در چند روز اخیر بیش از ۳۰ تانکر سوخت‌رسان را روانه خاورمیانه کرده است. این رقم که شامل مدل‌های KC-135 قدیمی‌تر و KC-46 جدیدتر می‌شود، به‌تنهایی نشان می‌دهد هدف صرفا جابه‌جایی معمولی یا تمرین ساده نیست. برای مقایسه، نیروی هوایی آمریکا در حال حاضر بیش از ۳۹۰ فروند KC-135 فعال و ۸۹ فروند KC-46 در اختیار دارد؛ بنابراین اعزام هم‌زمان بیش از ۳۰ فروند، یک‌دهم ناوگان سوخت‌رسان فعال این کشور را شامل می‌شود. همین مقیاس، اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند.

ستون‌فقرات عملیات دوربرد

KC-135 از اواخر دهه ۱۹۵۰ تاکنون ستون اصلی توانمندی پروازهای دوربرد آمریکا بوده است. این هواپیما که نخست برای پشتیبانی از بمب‌افکن‌های استراتژیک دوران جنگ سرد طراحی شد، در طول دهه‌ها ارتقاهای متعددی در موتور، آویونیک و سامانه‌های ارتباطی دریافت کرده است. هنوز هم تقریبا همه جنگنده‌های نسل چهارم و پنجم آمریکا ازجمله F-15، F-16، F-22 و حتی F-35 برای مداومت پرواز در مأموریت‌های طولانی به KC-135 وابسته‌اند. در کنار آن، KC-46 با فناوری‌های تازه دفاعی و اپتیکی، به‌تدریج در حال ورود به میدان است؛ اما سهم عملیاتی آن هنوز کمتر از KC-135 است. اینکه هر دو مدل به‌طور هم‌زمان در این جابه‌جایی به قطر اعزام شدند، نشانه‌ای از آمادگی مقیاس‌پذیر فراتر از زمایش‌های معمول است.

طبق داده‌های اوپن‌سورس، پروازهایی با شماره‌های بدنه مشخص همچون 61-0314 و 58-0042 به سمت قطر منحرف شدند. دست‌کم چهار فروند از هواپیماها که ابتدا به بریتانیا رسیده بودند، در نهایت راهی العدید شدند. این پایگاه در دوحه، مقر اصلی فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه بوده و در عملیات‌های پیشین نقش کلیدی داشته است.

ردپای ایران و غزه در تحرکات

در نگاه نخست، تحلیل‌ها بر احتمال حملات آمریکا یا اسرائیل به ایران متمرکز شدند؛ اما دو روز پیش از استقرار این تانکرها، طرحی مشترک از سوی واشنگتن و تل‌آویو درخصوص غزه اعلام شد که شامل اولتیماتوم مستقیم به حماس بود. این هم‌زمانی تصادفی نیست. اسرائیل در حملات اولیه خود علیه ایران و نیروهای وابسته به آن، تا ۲۰۰ جنگنده به پرواز درآورد. با وجود داشتن ناوگان داخلی سوخت‌رسان، ارتش اسرائیل قادر به پشتیبانی از چنین حجم پروازی نبود. تانکرهای آمریکایی دقیقا برای پرکردن این شکاف وارد میدان شدند.

افزایش مداومت پروازی برای جنگنده‌ها به‌ویژه در مأموریت‌های شکار پرتابگرهای متحرک موشک‌های بالستیک حیاتی است. این پرتابگرها می‌توانند بلافاصله پس از شلیک موشک جابه‌جا شده و در مناطق مسکونی یا کوهستانی پنهان شوند. بدون حضور طولانی‌مدت بر فراز منطقه، یافتن و انهدام آنها ممکن نیست. تانکرها با افزایش زمان حضور جنگنده‌ها در آسمان، امکان اجرای چنین مأموریت‌های پیچیده‌ای را فراهم می‌کنند.

این نخستین بار نیست که موج جابه‌جایی تانکرها مقدمه عملیات نظامی بوده است. در سال ۲۰۱۹، موج مشابهی از KC-135 ها پیش از حملات آمریکا به مواضع شبه‌نظامیان در عراق مشاهده شد. آن زمان نیز ردیاب‌های پروازی و گزارش‌های اوپن‌سورس نخستین هشدار را دادند. الگو آشکار است؛ هرگاه واشنگتن تصمیم به اجرای عملیات گسترده می‌گیرد، نخستین گام، استقرار وسیع تانکرهاست تا اطمینان حاصل کند که جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها قادر به عملیات پایدار خواهند بود.

این بار نیز علاوه بر نقش حمایتی برای اسرائیل، تانکرها می‌توانند بمب‌افکن‌های B-2 و B-52 آمریکا را پشتیبانی کنند. این بمب‌افکن‌ها که از پایگاه‌های داخلی آمریکا در ایالت میزوری یا ناوهای هواپیمابر در اقیانوس هند پرواز می‌کنند، بدون سوخت‌گیری هوایی قادر به اجرای مأموریت در خاورمیانه نیستند. حضور هم‌زمان بیش از ۳۰ تانکر نشان می‌دهد واشنگتن در حال ایجاد شرایط لازم برای چنین سناریوهایی است.

سایه ناتو و تنش با روسیه

استقرار تانکرها در خاورمیانه تنها یک وجه ماجراست. در همان روزها، ناتو رزمایش‌هایی در شرق اروپا برگزار کرد و مقامات واشنگتن از احتمال تجهیز اوکراین به موشک‌های دوربرد سخن گفتند. نماینده ویژه آمریکا در امور اوکراین به‌طور علنی اعلام کرد ترامپ اجازه استفاده ناتو از موشک‌های آمریکایی علیه مسکو را داده است. این تغییر لحن آشکار، نشانگر حرکت واشنگتن از موضع بازدارندگی صرف به سمت رویکردی فعال‌تر و تهاجمی‌تر است.

این هم‌زمانی، یعنی پروازها در آسمان خاورمیانه و صف‌آرایی ناتو در برابر روسیه، در عمل به معنای بازشدن دو جبهه هم‌زمان است؛ به بیان دیگر، واشنگتن پیام می‌دهد که نه‌تنها آماده مهار تهران است، بلکه برای مقابله با مسکو نیز توان بسیج دارد.

جزئیات تازه از آرایش نیروها

گزارش‌های هوانوردی حاکی از آن است که در کنار تانکرها، حدود ۱۲ فروند جنگنده نسل پنجم آمریکا شامل F-22 و F-35 نیز به سمت منطقه در حال اعزام هستند. این جنگنده‌ها با ترکیب پنهان‌کاری، توانایی رزمی بالا و پشتیبانی از عملیات‌های چندمنظوره، مکمل طبیعی تانکرها محسوب می‌شوند. در شرایطی که بمب‌افکن‌های استراتژیک نیاز به پوشش هوایی دارند، این جنگنده‌ها نقش سپر دفاعی و هجومی را ایفا می‌کنند. وجود چنین ترکیبی -بمب‌افکن‌های دوربرد، جنگنده‌های نسل پنجم و ناوگان گسترده تانکرها- در عمل تصویری از آمادگی برای سناریوهای چندجبهه‌ای ارائه می‌دهد. این چینش به وضوح فراتر از پیام بازدارنده است و به سطحی از آماده‌سازی عملیاتی اشاره دارد که در گذشته اغلب مقدمه حملات واقعی بوده است.

پیامدهای منطقه‌ای

برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، استقرار این ناوگان نشانه‌ای از تعهد عملی آمریکا به امنیت منطقه است. در شرایطی که ایران روابط خود را با روسیه و چین تعمیق کرده و همکاری‌های تسلیحاتی و انرژی میان تهران، مسکو و پکن رو به گسترش است، متحدان آمریکا به دنبال تضمینی عینی از واشنگتن هستند. حضور بیش از ۳۰ تانکر و ده‌ها جنگنده پیشرفته، همان ضمانتی است که کشورهای منطقه انتظارش را دارند. اما این حضور به همان اندازه که خیال متحدان را آسوده می‌کند، می‌تواند تهران را به سمت واکنش متقابل سوق دهد؛ ازجمله افزایش آزمایش‌های موشکی، رزمایش‌های دریایی در تنگه هرمز یا حتی اقدامات فشارزا در بازار انرژی.

حرکت هم‌زمان تانکرها و پیام‌های سیاسی واشنگتن تنها معطوف به خاورمیانه نیست؛ اروپا و دریای سیاه نیز هم‌زمان به میدان فشار متقابل آمریکا و روسیه بدل شده‌اند. در این میان، چین نیز به‌عنوان متحد راهبردی ایران و شریک اقتصادی روسیه، تحولات را از نزدیک دنبال می‌کند. به همین دلیل، پرواز تانکرهای آمریکایی بر فراز آتلانتیک، صرفا یک مانور منطقه‌ای نیست، بلکه بخشی از یک آرایش جهانی قدرت است. استقرار گسترده تانکرهای آمریکایی در خاورمیانه، هم‌زمان با اولتیماتوم به حماس، افزایش تنش‌ها با ایران و رزمایش‌های ناتو در برابر روسیه، بخشی از الگویی چندمحوره است که آینده امنیت خاورمیانه و حتی مناسبات جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیش از ۳۰ تانکر اعزام‌شده، حدود ۱۲ جنگنده نسل پنجم در حال انتقال و احتمال حضور بمب‌افکن‌های دوربرد، همه نشان می‌دهد واشنگتن در حال آماده‌سازی برای سناریوهایی است که از نمایش بازدارنده فراتر می‌رود. پرسش کلیدی این است که آیا این حرکت تنها به‌عنوان یک نمایش قدرت باقی خواهد ماند یا مقدمه جنگی تازه است؟ پرسشی که پاسخ آن را باید در روزها و هفته‌های آینده جست‌وجو کرد؛ زمانی که پرواز بمب‌افکن‌ها و تصمیم‌های سیاسی نهایی، مسیر آینده را روشن خواهند کرد.

گزارش

پیام واشنگتن به ایران و اسرائیل

فرمان اجرائی ترامپ در حمایت از قطر

شرق: آسمان سیاسی دوحه پس از حمله هوایی اسرائیل در سپتامبر، به‌شدت ملتهب شد. حمله‌ای که نه‌تنها چند عضو وابسته به حماس و یک افسر امنیتی قطری را کشت، بلکه اعتماد دیرینه قطر به تضمین‌های امنیتی آمریکا را نیز زیر سؤال برد. همین نگرانی‌ها سه هفته بعد، به صدور یک فرمان اجرائی بی‌سابقه از سوی دولت ترامپ انجامید.

فرمان اجرائی دونالد ترامپ، ایالات متحده را متعهد می‌کند که امنیت و تمامیت ارضی قطر را تضمین کند و در صورت هرگونه حمله خارجی، با ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و حتی نظامی پاسخ دهد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که اسرائیل در ۹ سپتامبر اهدافی در دوحه را هدف قرار داد و موجب کشته‌شدن چند عضو وابسته به حماس و یک نیروی امنیت داخلی قطر شد. هرچند اسرائیل مدعی بود رهبران حماس را هدف گرفته است، اما هیچ‌یک از فرماندهان ارشد کشته نشدند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، بعدتر در تماس تلفنی با شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر قطر، بابت کشته‌شدن یک مأمور امنیتی قطری ابراز تأسف کرد. دفتر او تأکید داشت که تل‌آویو قصد ندارد حاکمیت قطر را نقض کند، اما اظهارات پیشین نتانیاهو که دوحه را به «پناه‌دادن به رهبران حماس» متهم می‌کرد، همچنان فضای بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. دولت قطر این حمله را «تروریسم دولتی» خواند و یادآوری کرد که حضور مقام‌های حماس در دوحه بنا به درخواست واشنگتن و برای تسهیل کانال‌های ارتباطی بوده است.

قطر میزبان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه است و همواره ایالات متحده را ضامن اصلی امنیت خود می‌دانسته است. از همین رو حمله اسرائیل که متحد نزدیک واشنگتن است، شوکی بزرگ به روابط دوحه-واشنگتن وارد کرد. در همین چارچوب، فرمان اجرائی ترامپ بیش از آنکه صرفا یک بیانیه باشد، تلاشی برای بازسازی اعتماد دوحه تلقی می‌شود. این فرمان وزارت دفاع آمریکا را موظف می‌کند با مقامات قطری طرح‌های اضطراری مشترک تدوین کنند تا در برابر هرگونه تجاوز احتمالی، واکنش سریع و هماهنگ صورت گیرد.

ماجرا تنها به اسرائیل ختم نمی‌شود. چند ماه پیش از این رویداد، ایران موشک‌هایی را به سمت پایگاه نظامی آمریکا در قطر شلیک کرد؛ حمله‌ای که تهران آن را تلافی حملات آمریکا به زیرساخت‌های هسته‌ای خود توصیف کرد. این حادثه، قطر را بار دیگر در میانه جدال‌های بزرگ منطقه‌ای قرار داد و نشان داد که تهدیدهای امنیتی علیه دوحه متنوع و چندجانبه‌اند.

ترامپ در متن فرمان اجرائی خود تأکید کرده است که آمریکا و قطر «به‌واسطه همکاری نزدیک، منافع مشترک و رابطه استوار نیروهای مسلح دو کشور» به هم پیوند خورده‌اند. او قطر را «شریکی ثابت‌قدم در پیگیری صلح و ثبات» نامید و یادآور شد که این کشور در حل‌وفصل منازعات منطقه‌ای و جهانی همواره نقشی مؤثر ایفا کرده است.

صدور این فرمان در عمل دو پیام داشت: نخست، خطاب به قطر که ایالات متحده امنیت این کشور را خط قرمز خود می‌داند؛ دوم، خطاب به دیگر بازیگران منطقه‌ای، اعم از ایران یا حتی اسرائیل، که واشنگتن نقض حاکمیت دوحه را برنمی‌تابد. این پیام دوگانه به‌ویژه پس از دیدار ترامپ و نتانیاهو در واشنگتن اهمیت بیشتری یافت. در این دیدار، دو طرف تلاش کردند توازن میان حمایت سنتی از اسرائیل و اطمینان‌بخشی به یکی از مهم‌ترین شرکای خلیج فارسی آمریکا را برقرار کنند. در همین حال، قطر با اقداماتی نمادین همچون اهدای یک هواپیمای ۷۴۷ به ایالات متحده، نشان داد که همچنان به روابط دوجانبه پایبند است. این کشور پیش‌تر نیز از ایستگاه‌های دیپلماتیک کلیدی آمریکا در خاورمیانه بوده و در میانجیگری‌های متعدد از جنگ غزه تا گفت‌وگوهای طالبان نقش‌آفرینی کرده است..

آگهی فراخوان عمومی

با عنایت به اینکه در نظر است، انتخابات اعضای هیئت مدیره و بازرسان سازمانهای نظام کاردانی استانها بصورت تمام الکترونیکی در دی ماه سال جاری برگزار گردد.
لذا از کلیه شرکت های دارای توانمندی و سوابق مرتبط دعوت بعمل می آید، جهت دریافت اسناد و ارائه پیشنهاد فنی و مالی در این زمینه، حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ به سایت سازمانهای نظام کاردانی استانهای تهران، گیلان، آذربایجان شرقی و فارس، مراجعه فرمایند.
این سازمان در پذیرش و یا رد پیشنهادات دارای اختیار تام می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران

ازکلیه اعضای پیوسته انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۹۱۰۴۱ و شماره ثبت ۲۶۴۵۰ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی انجمن که در روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴ از ساعت ۱۸ تا ۱۹ در محل دانشگاه تربیت مدرس، ساختمان خوارزمی، طبقه دوم دانشکده حقوق، سالن عدالت واقع در تهران، تقاطع بزرگراه چمران - جلال آل احمد تشکیل می‌شود، شرکت فرمایند.
دستور جلسه: ۱- ارائه گزارش توسط رئیس هیات مدیره و بازرس قانونی ۲- انتخاب اعضای هیات مدیره جدید و بازرسان قانونی ۳- بررسی گزارش مالی دوره گذشته ۴- تعیین میزان حق عضویت اعضای انجمن.
هیأت مدیره انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران

وکالت نامه شماره ۲۵۹۷۴ به نام **حسن حسین پور**
مربوط به پروژه چیتگر مفقود و آن یک نسخه از درجه
اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران

ازکلیه اعضای پیوسته انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۹۱۰۴۱ و شماره ثبت ۲۶۴۵۰ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی فوق العاده انجمن که در روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴ از ساعت ۱۷ تا ۱۸ در محل دانشگاه تربیت مدرس، ساختمان خوارزمی، طبقه دوم دانشکده حقوق، سالن عدالت واقع در تهران، تقاطع بزرگراه چمران - جلال آل احمد تشکیل می‌شود، شرکت فرمایند.
دستور جلسه: ۱- تصویب تغییرات در مفاد اساسنامه
هیأت مدیره انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

www.sharghdaily.ir